



## درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۹۵

موضوع جزئی: مسئله سیزدهم - تعلق خمس به رأس المال - بررسی اشکالات وارده به نظر مختار مصادف با: ۱۶ ذی الحجه ۱۳۳۷

جلسه: ۴

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد در مورد تعلق خمس به رأس المال، پنج قول وجود دارد و حق در مسأله همان است که امام (ره) در متن تحریر به آن ملتزم شد. امام (ره) فرمودند در صورتی که ربح کسب برای حفظ وجاهت و معاش مورد نیاز باشد، و در جایی سرمایه گذاری شود، این رأس المال از مؤونه محسوب می شود و خمس ندارد؛ در غیر این صورت از مؤونه محسوب نمی شود و باید خمس آن پرداخته شود.

### خلاصه دلیل نظر مختار

دلیل اینکه این نظر مورد قبول است، با توجه به مقدمه ای که در جلسه گذشته عرض شد معلوم شد. در جلسه گذشته عرض شد مدار اختلاف بین این پنج قول بر مسئله صدق یا عدم صدق مؤونه استوار است البته به تبع تفاسیر متفاوتی که برای مؤونه صورت گرفته است. یعنی بستگی به این دارد که ما مؤونه را به چه معنا بدانیم و آن را بر چه اموری منطبق کنیم. اگر دامنه مفهومی مؤونه را ضیق بدانیم، قهراً بر این مالی که مثلاً برای آلات صنعت یا وسایل تولید مصرف شده است عنوان مؤونه صدق نمی کند و اگر دامنه مفهومی مؤونه را گسترده تر کنیم، قهراً شامل سرمایه و رأس المال هم می شود. عرض شد با توجه به اینکه در مورد مفهوم مؤونه و شرط معتبر در آن باید به عرف رجوع کنیم، از نظر عرف هر چه که انسان در امور زندگی به آن نیاز دارد، [چه امور معنوی و چه امور مادی، چه امور دنیوی و چه امور اخروی. به تعبیر دیگر هر چه که برای حفظ وجاهت یا اعاشه به آن نیاز دارد،] جزء مؤونه محسوب می شود؛ مایحتاج او هم پوشاک است و هم خوراک است، گاهی به مرکب نیاز دارد و گاهی به خدمتکار نیاز دارد، اینها همه جزء مؤونه است؛ گاهی هم به ابزاری برای کسب درآمد نیاز دارد مثلاً باید ابزارآلاتی بخرد که بتواند با آن کار کند. یک وقت ماشینی می خرد تا با آن کار کند. این هم جزء مؤونه هست. در این مسئله بین آنچه که مصرف می کند و از بین می رود و آنچه که مصرف می کند ولی در عین حال باقی است، فرقی وجود ندارد؛ مثلاً خوراک و پوشاک مصرف می شوند و بعد از مصرف چیزی از آنها باقی نمی ماند اما مسکن ضمن اینکه مصرف می شود همچنان باقی است لذا وجهی برای فرق گذاشتن بین آنچه که مصرف می شود و عین آن باقی نمی ماند و آنچه که مصرف می شود و عین آن باقی می ماند وجود ندارد. این مسئله ای است که به نظر ما صحیح است (یعنی معنای مؤونه یک معنای عامی است).

### بررسی اشکالات نظر مختار

بر این اساس عرض شد آنچه امام (ره) در مسأله سیزدهم تحریر فرموده‌اند، صحیح می‌باشد و سایر اقوال و تفصیلاتی که در مسأله وجود دارد به نظر ما صحیح نیست.

قبل از بررسی این اقوال، مناسب است ابتدا برخی از اشکالاتی که ممکن است نسبت به نظریه مختار مطرح شود را ذکر و به آنها پاسخ داده شود.

### اشکال اول

برخی گفته‌اند مؤونه عبارت است از آنچه که انسان برای مصارف حیات به آن نیاز دارد مثل خوراک، پوشاک، مسکن و مرکب؛ به تعبیر دیگر سنخ وسایل تولید با مصارف حیات، متفاوت است و هر چه که انسان به آن احتیاج داشته باشد مؤونه نیست؛ مؤونه یعنی آن چیزهایی که انسان برای ادامه حیاتش مصرف می‌کند؛ انسان اگر غذا نخورد می‌میرد، اگر پوشاک نداشته باشد، در گرما و سرما مشکل پیدا می‌کند، اگر مسکن و سرپناه نداشته باشد نمی‌تواند زندگی اش را ادامه دهد اما اگر وسایل تولید نداشته باشد و آلت صنعت نداشته باشد می‌تواند به زندگی ادامه دهد. عده‌ای این نظر را به وسیله نظر بعضی از اهل لغت تأیید کرده‌اند و گفته‌اند مؤونه به معنای تعب، شدت و آنچه که بر انسان ثقیل است می‌باشد، در بعضی از کتب لغت مثل اقرب الموارد هم به معنای قوت و همچنین شدت و ثقل آمده است. بر این اساس نتیجه گرفته‌اند که به نظر اهل لغت، مؤونه عبارت است از ثقل حیات، یعنی آن چیزهایی که زندگی روی آن استوار است. حیات و زندگی، بر خوراک و پوشاک و امثال این‌ها استوار است اما بر وسائل تولید استوار نیست لذا فرموده‌اند که: «بعد اللتیا و التی یشکل عدّ رأس المال و آلات الصناعة و وسائل التولید من المؤونه»<sup>۱</sup>. هر چه انسان به آن نیاز داشته باشد که عنوان مؤونه بر آن صدق نمی‌کند. حالا فرقی هم نمی‌کند که این وسائل و آلات مربوط به همان سال باشد و یا مربوط به سال‌های آینده باشد. به تبع مرحوم آقای منتظری بعضی دیگر نیز این اشکال را مطرح کرده‌اند با یک عبارت دیگر و با یک بیان دیگر. گفته‌اند که در مؤونه دو قید معتبر است؛ یکی اینکه استهلاکی باشد یعنی چیزی باشد که مصرف می‌شود و مورد نیاز و انتفاع در زندگی است (مباشراً لا تسبیباً) و دیگر این که مطابق شأن باشد. لذا کانه اشکال ایشان هم این است که وسایل تولید و آلات صنعت، این‌ها هم از مؤونه محسوب نمی‌شوند زیرا این‌ها استهلاکی نیستند، این‌ها چیزهایی است که انسان از آن سود می‌برد و از اموری که زندگی مباشرتاً به آن‌ها متکی باشد نیست. یعنی صرف اینکه مطابق شأن باشد به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه برای صدق عنوان مؤونه، هم باید مطابق شأن باشد، هم استهلاکی و ما ینتفع به مباشرتاً باشد.<sup>۲</sup>

### بررسی اشکال اول

همانگونه که عرض شد برای فهم معنای مؤونه و دامنه و سبب مفهومی مؤونه باید به عرف رجوع کرد. عرف فرقی بین آنچه که استهلاکی است و آنچه که استهلاکی نیست نمی‌بیند؛ به عنوان مثال مگر مسکن استهلاکی است؟ همه گفته‌اند پولی که از محل درآمد صرف خرید منزل مسکونی می‌شود خمس ندارد چون از مؤونه محسوب می‌شود. آیا مسکن استهلاکی است؟ چه فرقی است بین مسکن و مثلاً دکان [محل کسب] یا وسیله زراعت یا صنعت؟ این یک نقض مهمی است به این نظر که مؤونه فقط بر چیزهایی منطبق می‌شود که استهلاکی باشد.

<sup>۱</sup>. کتاب الخمس، آقای منتظری، ص ۱۹۲.

<sup>۲</sup>. کتاب الخمس، آقای شاهروی، ج ۲، ص ۲۲۶.

البته بین مسکن و دکان این فرق وجود دارد که انسان مباحثاً از مسکن استفاده می‌کند، اما حیات انسان بر دکان و وسائل نجاری و آهنگری و ماشین، مباحثاً استوار نیست. بله! این فرق هست ولی این باعث نمی‌شود که ما بگوییم مؤونه بر وسایل تولید و ابزار کسب و درآمد صدق نمی‌کند.

آن مطالبی را هم که از قول اهل لغت گفته شد [که مؤونه یعنی ثقل الحیات] منافاتی با آنچه ما گفتیم ندارد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که کسی که وسیله‌ای برای کسب درآمد نداشته باشد، ابزار کار نداشته باشد آیا قادر است قوت خود را تأمین کند؟ اگر بنا باشد که معنای لغوی را ببینیم و تناسب با معنای لغوی را در نظر بگیریم، باید گفت که ثقل الحیات یک معنای عامی دارد؛ یعنی همانگونه که قوت، خوراک، پوشاک، مرکب و مسکن را شامل می‌شود، وسایل کسب و کار، وسایل صنعت و زراعت را نیز شامل می‌شود. پس قطعاً به نظر ما این اشکال وارد نیست.

### اشکال دوم

اشکال دوم که از بعضی کلمات ممکن است استفاده شود، این است که سلّمنا مؤونه بر همه مایحتاج انسان صدق می‌کند، اعم از اینکه از جنس خوراک و پوشاک باشد یا از جنس ابزار کسب و کار، ولی در صورتی این مؤونه مستثنات از خمس است که مربوط به همان سال باشد، چون مؤونه مقید شده به سنه. دقت شود اشکال دوم با فرض تنزل از اشکال اول مطرح می‌شود، یعنی سلّمنا که معنای مؤونه عام است ولی از آنجا که مقید به سنه شده، پس باید فقط هزینه‌های مربوط به همان سال مورد توجه قرار گیرد. مگر شما نمی‌گویید که خوراک و پوشاک از محل درآمد استثناء است؟ بله، اما خوراک و پوشاک همان یک سال. اگر فرض کنید پنج میلیون تومان مخارج زندگی و خوراک و پوشاک در یک سال است، به این اندازه مؤونه است و از حکم وجوب خمس استثناء شده است. هزینه خوراک و پوشاک سال‌های آتی را دیگر نمی‌شود جزء مؤونه آورد. وسایل تولید و ابزار کسب و کار هم همین گونه است. مثلاً کسی می‌خواهد زراعت کند و احتیاج به بذر و شخم زدن زمین دارد، این‌ها کارهایی است که باید امسال انجام دهد تا سال دیگر سود ببرد. پس مخارجی که برای اصلاح درختان یا اصلاح زمین دارد، [مثلاً می‌خواهد آبیاری زمین را از روش قدیمی برساند به آبیاری قطره‌ای که این کار احتیاج به سرمایه‌گذاری دارد] این‌ها چون مربوط به سال‌های آینده است، جزء مؤونه نیست اما آن هزینه‌هایی که برای وسایل تولید کرده و مربوط به همان سال است، جزء مؤونه است؛ مثلاً امسال یک دستگاهی دارد که با آن تولید می‌کند ولی یک قطعه‌اش خراب می‌شود؛ او الان باید پول بدهد و یک قطعه بخرد و جای آن بگذارد در این صورت این خرجها جزء مؤونه به حساب می‌آید اما اگر بخواهد خط تولید دیگری راه اندازی کند تا سال آینده درآمدش مطابق شأن او باشد این جزء مؤونه نیست. این اشکالی است که به عنوان اشکال دوم مطرح شده است.

### بررسی اشکال دوم

به نظر ما این اشکال هم وارد نیست، چون اگر ما در معنای مؤونه دقت کنیم با توضیحاتی که دادیم، از نظر عرف مؤونه عبارت است از هر چه که برای اداره زندگی به آن نیازمند است، اعم از اینکه استفاده مربوط به همان سال باشد یا مربوط به سال‌های آینده باشد. بقای حیات مطابق شأن و ثبات زندگی در حد شأن او اگر متوقف بر این باشد که مثلاً این بخش از درآمد امسال را صرف سرمایه‌گذاری کند ولو استفاده از آن در سال آینده است، این مانع صدق مؤونه نیست. مگر ما نمی‌گوییم مؤونه یعنی آنچه که مورد احتیاج در زندگی است؟ پس این وسایل تولید و ابزار کسب و کار هم نیاز زندگی

است. مثلاً امسال باید این هزینه را خرج کند و این ابزار را بخرد تا بتواند سال آینده درآمدی متناسب با شأن خودش داشته باشد؛ حال با این بیان به چه دلیل در این جا صدق مؤونه نشود؟ این ها من مصارف الحیات نیست، منتها استمرار و بقای حیات متوقف بر این درآمد است و این درآمد مستلزم سرمایه گذاری امروز است ولو فایده آن در آینده ظاهر شود. پس تقیید به سنه به هیچ وجه مانع صدق عنوان مؤونه بر وسائل تولید نیست.

«الحمد لله رب العالمین»